

نقش زنان

در توسعه روستایی (۱)

مترجم: رضا ذوقدار مقدم

اشاره:

در چند شماره قبل بخش‌هایی از گزارش سازمان خواروبار و کشاورزی FAO را در زمینه نتایج ده سال پیگیری مصوبات کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) توسط کشورهای عضو، ترجمه و به نظر خوانندگان محترم مجله رساندیم.

در این شماره، بخش اول از آخرین قسمت این گزارش را که در زمینه نقش زنان در توسعه روستایی است، به نظر خوانندگان گرامی می‌رسانیم و ادامه آن را در شماره آینده درج خواهیم کرد. امیدواریم که این سلسله مطالب که تحت عنوان «تجربیات جهانی توسعه روستایی» ترجمه شد و به چاپ رسید، مورد توجه و استفاده خوانندگان گرامی مجله قرار گرفته باشد.

۱- جذب زنان در توسعه روستایی

کنفرانس سازمان ملل در نایروبی (۱۹۸۵) در پایان دهه‌ای که از سوی آن سازمان به‌عنوان دهه زنان نامگذاری شده بود، در قطعنامه پایانی خود به اتفاق آراء راهبردهای پیش‌تاز در جهت پیشرفت زنان تا سال ۲۰۰۰ را مورد تأیید قرار داد.

در فصل توسعه این قطعنامه در بخش غذا، آب و کشاورزی (در پاراگراف ۱۷۶) اصول و اقدامات خاص پیشنهاد شده از سوی WCARRD در ۱۹۷۹ در زمینه جذب زنان در توسعه روستایی به‌عنوان «راهنمای ارزشمندی برای عمل»، مورد تأیید مجدد قرار گرفت و

همچنین پروژه‌های درآمدزا، آموزش و ایجاد گروه‌های خودیار برای زنان روستایی را گسترش داده‌اند. معدودی از کشورها (سنگال، توگو، کلمبیا) یکسری برنامه‌های کار ملی تدوین و بکار بسته‌اند که در آنها برای کاهش حجم کار زنان روستایی، ارائه آموزش در جهت افزایش تولید و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی اهمیت ویژه‌ای قایل شده‌اند. به‌عنوان مثال تایلند در این زمینه برنامه درازمدت ۲۰ ساله‌ای را در دست اجرا دارد که از ۱۹۸۲ آغاز شده است و تا سال ۲۰۰۱ ادامه خواهد داشت.

شمار معدودی از کشورها در بررسی و تشخیص این موضوع که زنان چگونه ممکن است بر برنامه‌های اجتماعی-اقتصادی تنظیم شده برای آنها تأثیر بگذارند یا از آنها تأثیر ببینند، گام‌های مؤثرتری نیز برداشته‌اند. هفتمین برنامه پنج ساله هندوستان (۹۰-۱۹۸۵)، طرح توسعه جدید اندونزی (Repelitaiv)، پنجمین برنامه اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی تایلند (۸۶-۱۹۸۲) و دومین برنامه پنج ساله بنگلادش (۸۵-۱۹۸۰) مواردی هستند که در آنها این گزارش به‌خوبی مشهود است. در منطقه آفریقا، کنیا از جمله کشورهایی است که گام‌هایی در جهت اطمینان از اینکه مشارکت زنان در توسعه ملی از رهگذر اقدامات مختلف و ترتیبات نهادی تحکیم و تقویت شده، برداشته است. در امریکای لاتین نیز دولت‌ها حساسیت و علاقه بیشتری به نقش تولیدی زنان نشان داده‌اند. با این وجود، در تمامی مناطق- حتی در کشورهایی که دولت‌ها در پی تحکیم و تقویت نقش و مسئولیت‌های زنان بوده‌اند- یک مانع عمده همواره وجود داشته است که از یک سو به دیدگاه‌های سنتی مردان نسبت به ایجاد تغییر در نقش و وظایف زنان، و از سوی دیگر، به عدم خوداتکایی و اعتماد به نفس در زنان مربوط می‌شود که مانع شده است آنها از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تحکیم و تقویت نقش اقتصادی خود بهره‌برداری کنند. از این رو، خط مشی‌ها و راهبردهایی که در نتیجه توجه به نیازهای زنان روستایی و ایجاد تغییر و تحول در نقش‌های اقتصادی و اجتماعی آنها پی‌ریزی شده‌است، نه‌تنها باید با عوامل اقتصادی، بلکه باید با عوامل نگرشی- که مانع ایجاد چنین تغییر و تحولی هستند- نیز مقابله کند. پیشرفت مهمی که در سال‌های اخیر در این زمینه به‌وجود آمده است، درک فزاینده دولت‌ها از نیاز به وجود یک نقطه کانونی و هدایت‌کننده در سیستم‌های سیاست‌گذاری و اجرایی برای پیشبرد، راهنمایی و گنجاندن علائق و خواسته‌های زنان در

اجرای آن اصول و آن اقدامات به‌عنوان پیش‌نیازی برای موفقیت برنامه‌ریزی توسعه روستایی و اجرای آن دانسته شده است. قطعنامه کنفرانس مذکور (در پاراگراف ۱۷۷) همچنین اهمیت توصیه‌های مرکز مشاوره دولتی فانو در زمینه نقش زنان در تولید مواد غذایی و امنیت غذایی در کشورهای آفریقایی را مورد توجه و تأکید قرارداد (مرکز مشاوره دولتی فانو در سال ۱۹۸۴ تأسیس شده است). با این وجود، علیرغم آگاهی رو به تزاید دولت‌ها از راهبردها و برنامه‌های مربوط به گسترش و ارتقاء فعالیت‌های زنان روستایی (که از ویژگی‌های مشخصه سال‌های اخیر به‌شمار می‌رود) تنها معدودی از کشورها سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ملی قابل توجهی که به‌طور مشخص مشارکت زنان روستایی و منافع آنها را مدنظر داشته باشد، در پیش گرفته‌اند.

هرچند در بعضی از برنامه‌های توسعه ملی مربوط به سال‌های بعد از ۱۹۸۰ اشاراتی به طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به زنان روستایی شده است، اما اکثریت این برنامه‌ها هنوز هم بر نقش زنان در خانه‌داری و تولیدمثل تأکید بیشتری دارند (بولیوی، اکوادور و بسیاری از کشورهای خاور نزدیک) و نقش آنها را در اقتصاد نادیده می‌انگارند. کشورهای متعددی (بورکینافاسو، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، گینه بیسائو، کنیا، توگو، زیمبابویه، تایلند، پاکستان، کاستاریکا، هندوراس) در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه خود، در جهت تأمین نیازمندی‌های زیربنایی از قبیل تأمین آب و تأمین تکنولوژی‌های خانگی کاراندوز^(۱)، به نفع زنان گام‌هایی برداشته‌اند. بعضی از این کشورها

تسامی زمینه‌های توسعه و تأمین منافع آنان در طرح‌ها و برنامه‌های دولت بوده است. در بسیاری از کشورها، حداقل يك مرکز دولتی ایجاد شده است که مسئولیت آن حمایت از منافع و نیازهای زنان در تحقیقات، سیاستگذاری، نظارت و اجرای برنامه، جذب زنان در فعالیت‌های توسعه، گسترش سازمان‌های زنان و حمایت از آنها است. مراکز دولتی مورد اشاره، در کشورهای مختلف معمولاً دارای یکی از اشکال زیر هستند:

۱- به شکل يك وزارتخانه مستقل یا معاونت وزارت کشور در امور زنان (در ۲۲ کشور).

۲- به صورت يك تشکیلات سازمانی پیش‌بینی شده در تشکیلات و یا الحاقی به وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی (در ۳۵ کشور).

۳- وزارت امور حقوقی (در ۳ کشور).

۴- وزارت جوانان، فرهنگ و ورزش (در ۳ کشور).

۵- به صورت يك سازمان پیش‌بینی شده در تشکیلات و یا وابسته به وزارت کشاورزی یا برنامه‌ریزی اقتصادی (در ۹ کشور).

۶- به صورت مراکز مشاوره‌ای / مشورتی همچون اداره زنان، شوراهای ملی و کمیسیون‌های ملی (در ۱۷ کشور).

۷- به صورت واحدهای زنان وابسته به حزب ملی حاکم (در ۱۷ کشور).

ایجاد این مراکز دولتی به پیشرفت و گسترش تحقیقات، برنامه‌ریزی و عمل در زمینه تأمین و تضمین هرچه بهتر و بیش‌تر تشریک مساعی و مشارکت زنان در توسعه و تضمین منافع آنها کمک کرده است.

فقدان آگاهی و درک صحیح از نقش زنان به‌عنوان افراد تولیدکننده و تأمین‌کننده نیازهای خانواده از سوی WCARRD به‌عنوان یکی از موانع اصلی و اساسی در زمینه اجرا و پیشبرد راهبردهای مربوط به بهبود و افزایش مشارکت زنان تعیین شده است. بر همین اساس، برنامه کار WCARRD پیشنهاد کرده بود تحقیقات و مبادله اطلاعات افزایش و ارتقاء یابد و روش‌های جمع‌آوری و ارائه داده‌های آماری برای تعیین، تشخیص و درک مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی، مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار گیرد.

یکی از موفقیت‌ها و دستاوردهای مراکز اجرایی ایجاد شده برای تقویت و گسترش جذب زنان در فعالیت‌های توسعه، نقش آنها در تحقیقات و عملکرد آنها به‌عنوان مرکزی برای ارائه اطلاعات صحیح در مورد زنان و وضعیت آنها بوده است.

● فقدان آگاهی و درک صحیح از نقش زنان به‌عنوان تولیدکننده و تأمین‌کننده نیازهای خانواده از سوی کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی به‌عنوان یکی از موانع اصلی و اساسی در زمینه اجرا و پیشبرد راهبردهای مربوط به بهبود و افزایش مشارکت زنان تعیین شده است.

● هنگامی که واحدهای سازمانی، اداری یا وزارتخانه‌ای برای رسیدگی به امور زنان تشکیل می‌شود، لازم است این واحدها توانایی لازم را برای پیشبرد تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های مورد نیاز برای زنان در امر توسعه و همچنین انجام اقدامات قانونی برای تضمین برابری موقعیت قانونی زنان داشته باشند.

جدید برای زنان و تشویق و ترغیب آنها به شرکت در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. معهذاً بسیاری از این واحدها از موقعیت پایین‌تری در میان دیگر مراکز دولتی برخوردارند و فاقد منابع مالی و انسانی کافی و همچنین فاقد شعبات محلی و منطقه‌ای هستند. در نتیجه این محدودیت‌ها، سیاست رسمی و تعهدات قانونی نسبت به ارتقاء موقعیت زنان، ایجاد برابری و دسترسی به خدمات، هیچگاه به نتایج مثبتی دست نیافته است.

تنها در موارد معدودی واحدهای سازمانی و اجرایی ویژه زنان توانسته‌اند نقش تسریع‌کننده‌ای در ارتباط با مراکز قانونی در درون وزارتخانه‌های مختلف، مؤسسات دولتی و سازمان‌های غیردولتی (NGOS) در جهت ترغیب و تشویق و راهنمایی فعالیت‌ها و اقدامات آنها برای زنان ایفا کنند (از جمله این کشورها می‌توان به هندوستان، بورکینافاسو، کنیا، زیمبابوئه، کوبا و نیکاراگوئه اشاره کرد).

اکنون تعداد زیادی از کشورها دریافته‌اند که اطلاعات و تحقیقات برای سیاستگذاری معقول و تنظیم طرح‌ها و برنامه‌های ویژه برای بهبود وضعیت زندگی زنان و خانواده‌های آنها امری ضروری است. داده‌های بدست آمده از تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی-اجتماعی ویژه در سطح خرد و در سطح روستا، دانستنی‌ها و اطلاعات زیادی را درباره چگونگی شرکت زنان روستایی در تولید مواد غذایی، تغذیه خانواده و تأمین غذایی و همچنین اطلاعات دیگری درباره دسترسی زنان به زمین‌های کشاورزی، اعتبار، خدمات ترویجی، نهاده‌ها، تعاونی‌ها و سایر سازمان‌های روستایی فراهم آورده است. گرایش مثبتی که تقریباً در همه جا به چشم می‌خورد، افزایش فعالیت‌های تحقیقاتی توسط مؤسسات تحقیقاتی بومی و سازمان‌های زنان برخوردار از روش‌های مشارکتی جدید است.

واحدهای سازمانی و اجرایی ویژه برای زنان، همچنین در زمینه‌های گسترش قانونگری‌های



و... اشتغال دارند، ارائه کنند.

۲- برابری در وضعیت و موقعیت

قانونی

کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) بر اهمیت برابری موقعیت قانونی زنان تأکید کرد. در واقع بسیاری از موانع اصلاحات قانونی و تنظیم قانون اساسی‌های جدید، از میان برداشته شده است. اما علیرغم موقعیت قانونی مساوی برای زنان، آنها از اعمال یکسری تبعیضات که بخشی از سنت‌ها و آداب و رسوم اکثر جوامع را تشکیل می‌دهد، رنج می‌برند. به‌نظر می‌رسد کشورهای منطقه امریکای لاتین بیش‌ترین پیشرفت را هم در زمینه پیش‌بینی اختیارات قانونی و هم در پذیرش آداب و رسوم و سنت‌های اجتماعی مبتنی بر برخورد و رفتار مساوی با زنان، داشته‌اند. تقریباً تمامی کشورهای امریکای لاتین عهدنامه سازمان ملل را در زمینه رفع کلیه تبعیض‌هایی که علیه زنان وجود دارد، امضاء و تأیید کرده‌اند. کلمبیا قانونی وضع کرده است که در طی آن برای زنان کار نیمه‌وقت و مرخصی زایمان در نظر گرفته شده است. اکوادور نیز در پی قانونگزاری جدید، به‌منظور رفع تبعیض‌هایی که نسبت به زنان اعمال می‌شود، در صدد تغییر قوانین کار و تجارت به نفع زنان است. در نیکاراگوئه وظایف و تعهدات برابری بردوش پدر و مادر نسبت به فرزندان و تقسیم کارهای خانه گذاشته شده است. در آسیا علیرغم موقعیت قانونی برابر، هنوز هم فاصله عمیقی میان موقعیت

از این‌رو، در حالی که وجود یک مرکز و محل مشخص برای جذب زنان در توسعه به‌دلایل نگرشی و دیدگاهی، پیشرفتی مطلوب به‌شمار می‌آید، اما اینکه تا چه میزان مشارکت زنان در امر توسعه محقق و علمی خواهد شد، در نهایت به این امر بستگی خواهد داشت که دیگر وزارتخانه‌های فنی و ادارات و مؤسسات ذیربط تا چه اندازه واقعاً به امر ارتقاء موقعیت سازمان‌های زنان و ارائه خدمات به آنها در چهارچوب حوزه فعالیت خود حساسند و تا چه اندازه برای انجام این کار آموزش دیده و تجهیز شده‌اند. بنابراین، هنگامی که واحدهای سازمانی، اداری یا وزارتخانه‌ای برای رسیدگی به امور زنان تشکیل می‌شود، لازم است این واحدها توانایی لازم را برای پیشبرد تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های مورد نیاز برای زنان در امر توسعه، و همچنین انجام اقدامات قانونی برای تضمین برابری موقعیت قانونی زنان داشته باشند. اما بالاتر از این، باید این واحدهای سازمانی که برای جذب زنان در فعالیت‌های توسعه ایجاد شده است، با سایر وزارتخانه‌های ملی و بخشی دست‌اندرکار برنامه‌ریزی و امور اجرایی در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ باشند، تا اطمینان حاصل کنند که علائق و خواسته‌ها و نیازهای زنان در تمامی طرح‌ها و خدمات فنی و اجتماعی که از سوی آن وزارتخانه‌ها ارائه می‌شود، نه‌تنها مطمح نظر قرار گرفته، بلکه حساسیت و توجه بیش‌تری نیز به آنها نشان داده شده است.

بعضی از کشورها بجای اتکاء به واحدهای ویژه زنان جهت اجرا و پیشبرد برنامه‌های مخصوص برای زنان (که در صورت اجرا ممکن است جدای از سازمان‌های اجتماعی و اقتصادی اصلی باشد) به انجام اقدامات و ارائه برنامه‌هایی در سطح ملی دست زده‌اند. مالاوی و سری‌لانکا از جمله کشورهایی هستند که این ره‌یافت را به‌بوتنه آزمایش گذاشته‌اند. این مطلب در واقع اصلی‌ترین موضوع سازمانی است که در تأمین کارایی و صراحت در تأمین نیازهای زنان در توسعه روستایی و کشاورزی فراروی دولت‌ها قرار دارد. در صورتی که کشورهای متعددی آن‌گونه که قبلاً ذکر شد واحدهای اجرایی و سازمانی مستقلی به‌منظور رشد و گسترش جذب زنان در توسعه ایجاد کرده‌اند، اما همین استقلال و جدایی، اغلب آنها را از سایر طرح‌های بخشی وزارتخانه‌ها و فعالیت‌های روزانه‌ای که برنقش زنان در توسعه روستایی و کشاورزی تأثیر می‌گذارد، دور نگه می‌دارد. از این‌رو ایجاد یک اداره یا حتی یک وزارتخانه مستقل برای امور زنان اغلب منجر به این شده است که اداره یا وزارتخانه مذکور، در عمل، به تنهایی مسئولیت رسیدگی و توجه به نیازهای زنان در توسعه روستایی را به‌دوش بکشد. اما واقعیت امر این است که اداره‌ها یا وزارتخانه‌های مذکور فاقد پرسنل، منابع و امکانات مالی کافی هستند تا بتوانند خدمات مورد نیاز را به زنانی که به امر تولید محصولات کشاورزی، دامی، شیلات، جنگل‌کاری، بازاریابی و عمل‌آوری محصولات



زنان برحسب قانون و وضعیت و موقعیت بالفعل آنها وجود دارد. معهدا در هندوستان، سری لانکا و بنگلادش اخیراً یکسری قوانین در زمینه‌های تنظیم مقررات ارث، ازدواج، استخدام، امور مربوط به زایمان و پرداخت دستمزدهای برابر به زنان شاغل در امور کشاورزی وضع شده است. در افریقا سنت‌ها و رسم و رسومات رایج در مورد زنان، هنوز هم در بسیاری از کشورها غالب است و حقوق قانونی آنها- که در قانون اساسی داخلی منظور شده است- عموماً نادیده انگاشته می‌شود. در بسیاری از کشورهای خاور نزدیک، قانون اساسی اصلاح و تجدیدنظر شده است و براساس اصل اسلامی برابری زن و مرد به زنان حقوق مساوی داده شده است. معهدا در بسیاری از کشورهای زنان هنوز هیچگونه حق و اختیار قانونی از خود ندارند و از این نظر، به پدران و برادران و همسران خود که در مورد آنها مسئولیت قانونی دارند، وابسته‌اند. عدم اختیارات قانونی برای زنان باعث شده است که آنها نتوانند رأساً در مورد مواردی چون خرید و فروش یا انتقال دارایی‌ها، درخواست وام و اعتبار و دیگر معاملات و معاهدات قانونی اقدام کنند و در کلیه این موارد، به تأیید فردی که به لحاظ قانونی در مورد آنها مسئولیت دارد، نیازمندند. به‌طور کلی عملاً در تمامی مناطق بسیاری از نابرابری‌ها و تبعیضات همچنان علیه زنان اعمال می‌شود و علت آن نیز عمدتاً نگرش‌های اجتماعی است که ریشه عمیقی در سنت‌ها، تاریخ و آداب و رسوم این کشورها دارد.

در ارتباط با موضوع پرداخت برابر در مقابل کار برابر نیز آنچه که در عمل انجام می‌شود، براساسانادهای قانونی منطبق نیست. مزدی که بابت کارهای کشاورزی به زنان پرداخت می‌شود، تقریباً در همه جا کم‌تر از میزانی است که به مردان پرداخت می‌شود. در سری لانکا پرداخت روزانه به زنان کارگر در بخشی غیررسمی برای محصولات اساسی بین $\frac{1}{4}$ تا $\frac{1}{3}$ کم‌تر از میزانی است که به مردان پرداخت می‌شود. همین موضوع در مورد بیش‌تر کشورهای افریقایی و آسیایی نیز صادق است. در سودان زنان اغلب نیمی از مبلغی را که برای کار روی محصولات خاصی به مردان پرداخت می‌شود، دریافت می‌کنند.

مهمترین مشکل در زمینه قانونگزاری در مورد حقوق زنان، اجبار و فقدان دانش و آگاهی است. در شمار متعددی از کشورهای آسیایی و امریکای لاتین در طول چند سال گذشته، سازمان‌های زنان ارائه یکسری خدمات قانونی را به زنان آغاز

● علیرغم موقعیت قانونی مساوی برای زنان، آنها از اعمال يك سری تبعیضات که بخشی از سنت‌ها و آداب و رسوم اکثر جوامع را تشکیل می‌دهد، رنج می‌برند. و عملاً در تمامی مناطق بسیاری از نابرابری‌ها و تبعیضات همچنان علیه زنان اعمال می‌شود و علت آن نیز عمدتاً نگرش‌های اجتماعی است که ریشه عمیقی در سنت‌ها، تاریخ و آداب و رسوم این کشورها دارد.

● اگرچه زنان به‌طور رسمی از تعاونی‌ها کنار گذاشته نشده‌اند، اما وجود قوانینی چون داشتن مالکیت زمین برای عضویت در تعاونی‌ها و یا وجود مفهوم و معیار سرپرست خانوار- که معمولاً حق انحصاری مردان است- عملاً زنان را از شرکت در تعاونی‌ها محروم می‌سازد.

روش‌ها و تکنیک‌هایی در کشت و کار استفاده شود و اینکه چه مقدار از محصول تولید شده مصرف و چه مقدار از آن به فروش رسد، نقش کلیدی دارد. در زمینه افزایش دسترسی زنان به زمین‌های زراعی حداقل تلاش صورت گرفته است و بیش‌تر مطالعات و بررسی‌های انجام شده در واقع نشاندهنده کاهش فزاینده دسترسی آنها به زمین است.

کرده‌اند که ممکن است در درازمدت به ارتقاء و بهبود وضعیت زنان منجر شود. در چین از ۱۹۸۳ به بعد بیش از ۹۵ درصد از اتحادیه‌های زنان در سطح استان، یکسری مراکز مشاوره‌ای قانونی به‌منظور ارائه خدمات انحصاری به زنان ایجاد کرده‌اند که نتایج کاملاً مثبت و سازنده‌ای به‌دنبال داشته است.

۳- چگونگی دسترسی زنان به زمین و سایر خدمات روستایی

الف) دسترسی به زمین

عدم دسترسی به زمین هنوز مهم‌ترین مانعی است که بر سر راه مشارکت کامل زنان در فرایندهای توسعه روستایی قرار دارد. زنان هنوز با یکسری محرومیتها در زمینه حقوق مربوط به تملك اموال و دارائی‌ها روبه‌رو هستند که معمولاً ریشه این محرومیت‌ها در آداب و رسوم و قوانین مربوط به ارث قرار دارد.

جنبش‌های اصلاحات ارضی همچنین گرایش به سوی خصوصی کردن مالکیت زمین- به‌ویژه در مناطق عشایری و مناطقی که اجاره‌داری مرسوم است- انتقال انحصاری مالکیت زمین به مردان را به عنوان سرپرست خانوار موجب شده است. مفهوم «سرپرست خانوار» که به‌عنوان مبنایی برای توزیع اراضی به‌کار برده می‌شود، در واقع وجود خانوارهایی را که سرپرست آنها زن است و همچنین زنانی را که ازدواج کرده‌اند و بایستی دارای حقوق مشترک با همسران خود باشند، نادیده می‌انگارد. تنها در دو کشور کوبا و نیکاراگوئه که مشارکت زنان در توسعه روستایی به‌عنوان يك هدف ملی به‌خوبی تعریف شده است- زنان نیز از اصلاحات ارضی منتفع شده‌اند. مالکیت زمین در امر داشتن حق تصمیم‌گیری درباره اینکه چه نوع محصولی کشت شود، از چه

با گسترش روند مهاجرت مردان از روستاها و افزایش خانوارهایی که سرپرستی آنها را زنان برعهده دارند، زنان روستایی نیاز روبه‌تزیادی را به داشتن حق مالکیت بر زمین‌های مزروعی ابراز داشته‌اند. به‌عنوان مثال در هندوستان به‌دنبال فشارهایی که از سوی گروه‌های زنان روستایی اعمال شد، ششمین برنامه پنج ساله کشور به دولت پیشنهاد کرده است تا شرایطی را فراهم آورد که در ارتباط با آن دسته از فعالیت‌های توسعه که مستلزم انتقال دارائی‌ها است، زنان و مردان از حقوق مشترکی برخوردار باشند. همچنین در بعضی از طرح‌های آزمایشی، زمین‌های غیرزراعی در اختیار سازمان‌های زنان قرار داده شده است تا آنها را به مزارع پرورش کرم ابریشم تبدیل کنند.

ب) دسترسی به تعاونی‌ها

محدودیت‌ها و محرومیت‌های مشابهی نیز در امر دسترسی زنان به خدمات روستایی مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال در ارتباط با تعاونی‌های روستایی، هرچند که زنان به‌طور رسمی از تعاونی‌ها کنار گذاشته نشده‌اند، اما وجود قوانینی چون داشتن مالکیت زمین برای عضویت در تعاونی و یا وجود مفهوم و معیار سرپرست خانوار- که معمولاً حق انحصاری مردان است- عملاً زنان

● **مزدی که بابت کارهای کشاورزی به زنان پرداخت می‌شود، تقریباً در همه جا کم‌تر از میزانی است که به مردان پرداخت می‌شود.**

● **گرچه وام‌دهی به زنان ممکن است از مخاطره کم‌تری برخوردار باشد (زیرا زنان از نرخ بازپرداخت بالاتری برخوردارند) معهدا بانک‌ها و سایر مؤسسات رسمی دست‌اندرکار، در پرداخت وام و اعتبارات نسبت به وام‌دهی به زنان تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، زیرا آن‌ها عموماً وام‌گیرندگان خرد و بدون تجربه‌ای هستند و وثیقه‌ای برای وام خود ندارند.**

را از شرکت در تعاونی‌ها محروم می‌سازد. هر چند شمار زنانی که عضو تعاونی‌ها هستند به‌طور نسبی رو به افزایش است، اما هنوز بسیار نابین‌تر از میزان عضویت مردان است و در مواردی هم که زنان روستایی عضو تعاونی‌ها هستند، در مقایسه با مردان اختیارات اجرایی و حق تصمیم‌گیری بسیار محدودی به آنها تفویض شده است. در این زمینه ویتنام استثنا است، زیرا در این کشور شمار زنان عضو تعاونی‌های محلی و کشاورزی و همچنین زنانی که مسئولیت اجرایی در تعاونی‌ها دارند، رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد.

در خلال چند سال گذشته، شمار متعددی از کشورهای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ویژه‌ای به‌منظور ارتقاء و بهبود مشارکت زنان تعقیب کرده‌اند. کوبا و نیکاراگوه از جمله کشورهای هستند که به صراحت از شرکت زنان در تعاونی‌ها حمایت به‌عمل آورده‌اند. نه‌تنها زنانی که سرپرستی خانوار را برعهده دارند، بلکه هم‌چنین زنان دارای همسر و دختران نیز می‌توانند به عضویت تعاونی‌ها درآیند.

علیرغم این سیاست و خط‌مشی آشکار، زنان در نیکاراگوه هنوز تنها شش درصد از کل عضویت در تعاونی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند علت این امر، عدم دسترسی آنها به خدمات و تسهیلات لازم جهت کاستن از میزان کارهای منزل (و مراقبت از کودکان) و در نتیجه نداشتن وقت آزاد است. در واقع تحت شرایط کنونی، زنانی که به عضویت تعاونی‌ها درمی‌آیند، مسئولیتی تقبل کرده‌اند که کار روزانه آنها را به ۱۵ ساعت افزایش خواهد داد. با این وجود، باز هم پیشرفت‌هایی در زمینه افزایش دسترسی زنان به تعاونی‌ها حاصل شده است.

اخیراً در کنیا منشور تعاونی‌ها مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار گرفت تا محدودیت‌هایی که تاکنون در مقابل مشارکت کامل زنان در تعاونی‌ها وجود داشته است، برطرف شود. در بعضی از ایالات در هندوستان نیز قوانین تعاونی‌ها هم‌اکنون گسترش یافته است و بر مبنای آن، یک

یا دو زن برای عضویت در کمیته‌های مدیریتی (هیئت مدیره‌ها) انتخاب می‌شوند. در سری‌لانکا شورای ملی تعاونی‌ها یکسری کمیته‌های مساوهرانی جهت گسترش و تقویت مشارکت زنان ایجاد کرده است. در مالزی مسئولان سازمان کشاورزان، به‌منظور گسترش عضویت زنان، مرکزی را تحت عنوان «واحد مشارکت زنان» ایجاد کرده‌اند. بعضی دیگر از کشورها (همچون، بنگلادش، زامبیا، زیمبابوئه و سنگال...) در این مورد خط‌مشی متفاوتی را دنبال کرده‌اند و تعاونی‌های خاصی را برای زنان به‌وجود آورده‌اند. در بنگلادش حمایت دولت، افزایش سریع شمار زنان عضو تعاونی‌های اعتبار و بازاریابی را به‌دنبال داشته است.

ج) دسترسی به اعتبارات

عدم دسترسی زنان به اعتبارات، در واقع بخشی از یک مشکل بزرگ‌تر است و آن، عدم تخصیص اعتبارات به میزان کافی به کشاورزان خرده‌پا در کشورهای در حال توسعه است. معهدا زنان روستایی در زمینه اعتبارات با محرومیت‌ها و محدودیت‌های بیش‌تری مواجه‌اند. این مشکل با توجه به اینکه زنان روستایی به‌طور روزافزون مسئولیت بیش‌تری در زمینه مدیریت مزارع کشاورزی (به‌ویژه در مواردی که مردان آنها اقدام به مهاجرت کرده‌اند) به‌دست می‌آورند، چهره حادث‌تری پیدا کرده است. گرچه وام‌دهی به زنان ممکن است از مخاطره کم‌تری برخوردار باشد (زیرا زنان به‌طور کلی از نرخ بازپرداخت بالاتری برخوردارند) معهدا بانک‌ها و سایر مؤسسات رسمی دست‌اندرکار، در پرداخت وام و اعتبارات نسبت به وام‌دهی به زنان تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، زیرا آنها عموماً وام‌گیرندگان خرد و بدون تجربه هستند و وثیقه‌ای برای وام خود ندارند.

آماری که از سوی معدودی از کشورها ارسال شده است حاکی از آن است که سهم زنان از

اعتبارات کشاورزی حدود ۱۰ درصد یا کم‌تر (مثلاً در هندوستان و کامرون) است. در جامائیکا سهم زنان از وام‌ها و اعتبارات کشاورزی بانک‌ها، ۵ درصد است. حتی در کشورهای افریقایی که زنان عمده‌ترین تولیدکنندگان محصولات غذایی به‌شمار می‌روند، سهم آنها از اعتبارات کشاورزی همچنان رو به کاهش است. علت این امر، جهت‌گیری عمده فعالیت‌ها و برنامه‌های ترویجی به‌سوی مردان، کمبود اطلاع زنان درباره اعتبارات رسمی، نداشتن اموال و دارایی‌هایی که بتوان از آنها به‌عنوان وثیقه استفاده کرد، بیسودی گسترده و ناتوانی در پیشبرد تقاضا از طریق روال‌های قانونی و در یک کلام، عدم شرکت و حضور آنها در فرایندهای توسعه است.

کنار گذاشتن زنان از انجمن‌های دهقانی و کشاورزی و تعاونی‌ها، عامل مهم دیگری است که موجب عدم دسترسی آنها به اعتبارات می‌شود. زیرا عضویت در چنین انجمن‌ها و سازمان‌هایی کسب اطلاعات درباره چگونگی استفاده از وام‌ها و اعتبارات را به‌دنبال خواهد داشت. در نتیجه، زنان در تمامی مناطق مجبور شده‌اند برای تأمین اعتبار مورد نیاز خود، به منابع غیررسمی همچون دوستان و خویشان، نزول‌خواران و تجار عمده روی آورند و معمولاً این نحوه از تأمین اعتبار با بهره‌کشی یک طرف از طرف دیگر همراه است. منبع دیگری که وجوه مالی مورد نیاز زنان را تأمین می‌کند، صندوق‌های وام و پس‌انداز غیررسمی است که به‌ویژه در آسیا و افریقا (در کشورهای چون مالزی، کره، اندونزی، کامرون، کشورهای چون مالزی، کره، اندونزی، کامرون، سنگال، سیرالئون، توگو، نیجریه و زیمبابوئه) وجود دارد. هم‌اکنون شمار متعددی از کشورها به‌دنبال ابزارها و روال‌هایی هستند که بتوانند از طریق آنها دسترسی زنان به وام و اعتبارات را افزایش دهند. در بنگلادش پروژه ابتکاری توسعه و ایجاد اشتغال برای زنان (WEDP) از طریق بانک کشاورزی اعتبارات لازم را جهت شروع به کار در اختیار زنان قرار می‌دهد. طرح دیگری در زمینه تأمین اعتبار برای زنان از طریق بانک گرامین به اجرا درمی‌آید. این بانک در پرداخت وام به محرومان بی‌زمین تخصص پیدا کرده است و زنان، یک سوم کل وام‌گیرندگان آن را تشکیل می‌دهند. در کنیا نیز تجدید نظرهایی در منشور تعاونی‌ها در دست انجام است تا امکان دسترسی زنان به تسهیلات اعتباری که از سوی تعاونی‌های تولیدکنندگان ارائه می‌شود، فراهم آید. در همین حال، بنیاد مالی زنان نیز که در ۱۹۸۳ در کنیا تأسیس شد، پرداخت وام‌های بانکی به زنان را

تضمین می‌کند. مؤسسه اعتبارات کشاورزی افریقا (AFFRACA) زنان دارای سند مالکیت را برای دریافت وام به بانک‌ها معرفی می‌کند و از این طریق تاکنون بیش از یازده میلیون شیلینگ برای انجام فعالیت‌های کشاورزی به زنان وام پرداخت شده است.

د) آموزش و ترویج کشاورزی

در خصوص خدمات ترویج کشاورزی نیز در طول چند سال گذشته، شمار زیادی از کشورها در بی طراحی مجدد سیستم‌های ترویجی خود بوده‌اند تا بتوانند خدمات بیش‌تری به زنان کشاورز و روستایی ارائه کنند.

اولین قدم در این راه، تأمین آموزش کافی برای زنان و تعلیم‌دهندگان آنها در زمینه کشاورزی بوده است. در کشورهایی چون زیمبابویه، کنیا، برونیدی، کامرون، گینه و چین شرکت زنان در مراکز آموزش کشاورزی افزایش یافته است. در چین تنها در ۱۹۸۵ نزدیک به ۲۰ میلیون زن روستایی در فعالیت‌های آموزشی گوناگونی که در زمینه موضوعات مختلف فنی در سراسر کشور صورت می‌گرفت، شرکت جستند. در هندوستان طرحی برای آموزش زنان در زمینه کشاورزی در قالب نظام ترویج کشاورزی ملی تنظیم شده است که هم‌اکنون در ۱۵ ایالت از ۲۲ ایالت کشور به اجرا درآمده است.

تنها معدودی از کشورها (نظیر لاتوس، چین، سری‌لانکا، هندوستان، مالزی و مالاوی...) آنچنان سیستم ترویجی قوی دارند که قادر به

رسیدگی به زنان روستایی در حد مورد نیاز باشند. هندوستان به‌منظور ایجاد پیوندهای ضروری و لازم میان زنان و خدمات معمولی که از سوی سازمان ترویج ارائه می‌شود، اقدام به تعیین کارشناسان زن در ترویج کشاورزی کرده است. علاوه بر این ۲۵ درصد از کشاورزان رابطی که کارشناسان مذکور از طریق آنها فعالیت‌های آموزشی و ترویجی خود را پیش می‌برند، از میان زنان انتخاب می‌شوند. فیلیپین نیز یک سازمان ترویجی تأسیس کرده است که بیش از ۵۰ درصد کادر ترویجی آن را زنان تشکیل می‌دهند. در باراگوئه هست مرکز منطقه‌ای برای توسعه روستایی ایجاد شده است که موظف به تأمین خدمات برای زنان هستند. معهد در اکثر کشورها، بیش‌تر خدمات ترویجی که برای زنان تأمین می‌شود (به‌ویژه در کشورهای خاور نزدیک) هنوز بر مبنای اقتصاد خانوار قرار دارد.

به‌منظور غلبه بر مشکل کمبود مرّجان زن، شماری از کشورها (مالاوی، بورکینافاسو و جمهوری عربی یمن) راهبردهای دیگری اتخاذ کرده‌اند. از این میان می‌توان استفاده از مرّجان مرد برای رسیدگی به امور زنان کشاورز و ارائه خدمات به آنها را نام برد. عنصر کلیدی در این راهبرد این است که باید مرّجان مرد به‌گونه‌ای تربیت شوند. و آموزش ببینند که بتوانند اولاً نیازهای ترویجی زنان را درک کنند آنها را تشخیص بدهند و ثانیاً به روش مناسبی برای برآوردن آنها اقدام کنند در کنیا وزارت کشاورزی و توسعه دامپروری مقرر کرده است که کادر ترویجی مرد علاوه بر موارد یاد شده، باید اطلاعات اولیه‌ای درباره اقتصاد خانوار، ترویج و

دیگر طرح‌هایی که به زنان مربوط می‌شود را نیز کسب کنند. در مالاوی وزارت کشاورزی بخشنامه‌ای تنظیم کرده است که براساس آن، توصیفی از نیازهای ترویجی زنان کشاورز و همچنین شیوه بهتری برای ارائه خدمات ترویج کشاورزی به زنان به‌دست خواهد آمد.

ره‌یافت دیگری که در زمینه ارائه خدمات ترویجی و آموزشی به زنان توسط مرّجان مرد مورد استفاده قرار گرفته است، تأمین خدمات ترویجی از طریق گروه‌ها و سازمان‌های زنان است. در بنین، غنا و گینه گروه‌های ترویجی زنان به‌منظور معرفی تکنولوژی پیشرفته عمل‌آوری و نگهداری ماهی تشکیل شده است. هندوستان نیز در حال آزمایش پروژه‌ای است که در آن از زنان به‌عنوان «واسطه انتقال اطلاعات» برای تشکل بخشیدن به زنان در قالب گروه‌های مختلف به منظور ملاقات منظم با کارشناس ترویج کشاورزی، استفاده می‌شود. وزارت امور زنان کامرون نیز در حال آزمایش پروژه مشابهی است. در بنگلادش و اندونزی پروژه‌های مختلف دولتی، سازمان‌های گروهی زنان را در زمینه آموزش‌های کشاورزی تحت نظارت دارند. در اندونزی بیش از ۳۵۰۰ گروه زنان به‌عنوان بخشی از سیستم ترویج کشاورزی ایجاد شده است.

حتی در صورتی هم که یک راهبرد مترقی ترویج کشاورزی دنبال شود، باز هم زنان تنها هنگامی از برنامه‌های ترویجی بهره‌مند خواهند شد که توصیه‌ها و پیام‌های ترویجی مناسبی که مربوط به محصولات و فعالیت‌های مورد توجه آنهاست، وجود داشته باشد. روی هم‌رفته باید گفت چنین توصیه‌ها و رهنمودهایی در اختیار نیست، زیرا تحقیقات کشاورزی عمدتاً توجه خود را به محصولات صادراتی یا نقدی، مکانیزاسیون، کشاورزی، دفع آفات، استفاده از کودهای شیمیایی و... معطوف داشته است. تحقیقات دامپروری و جنگل‌کاری نیز روند مشابهی را دنبال کرده‌ند و توجه خود را بر دامداری صنعتی و درختان خارجی (غیر بومی) متمرکز ساخته‌اند، در حالی که دامداری‌های خرده‌پا و پرورش درختان بومی مورد غفلت واقع شده است. زنان تنها در صورتی به اندازه کافی از ترویج کشاورزی بهره‌مند خواهند شد که پیام‌های ترویجی متناسب با نیازهای آنها، محصولاتی که کشت می‌کنند، دام‌هایی که پرورش می‌دهند و نظام کشاورزی که براساس آن کار می‌کنند، تهیه شود.

■ زیرنویس:

Labour-Saving

